

آفت کلی گوئی



سیدعبداولجواد موسوی
شاعر و روزنامه‌نگار

در مناظره‌های ریاست جمهوری این روزها اتفاقات جالبی می افتد. یکی از این اتفاقات پرسش‌هایی صریح درباره گشت ارشاد و وضعیت حجاب و طرحی است به نام طرح نور. خوب دیدیم که هیچ کدام از کاندیداهای محترم به جز یکی از آنها در این باره موضع روشنی نگرفتند در حالی که قبل تر یعنی قبل از آنکه پا به میدان رقابت‌های سیاسی بگذارند، مواضع روشن و صریحی در این باره داشتند. کاملاً طبیعی است مردم بخواهند بدانند کسانی که قرار است زمام امور اجرایی کشور را به دست بگیرند، در موارد این چنینی چه خواهند کرد. اما جالب اینجاست که هیچ کدام از این عزیزان حاضر نشدند حتی موضعی را که تا همین چند روز پیش به صراحت اعلام می کردند یک بار دیگر بر زبان بیاورند. دلیلش چیست؟ دلیلش این است که آنها تا چند روز پیش نیازی به رأی مردم نداشتند. از طرف کسانی یا نهادهای به کاری منصوب شده بودند و در حقیقت نیازی نمی دیدند به مردم پاسخ بگویند. شاید اصلاً آن مواضع حتی نظر حقیقی آنها هم نبوده باشد، منتها گفتن آن سخنان باعث می شده تا در چشم بزرگترهایشان عزیزتر جلوه کنند. امروز اما میدان دیگری است. امروز کاندیداهای محترم دروغ و راست برایشان مهم نیست. امروز آنها در معرض قضاوت مردم قرار دارند و به همین دلیل باید حرف‌هایی بزنند که مردم آنها را ببینند یا اینکه بتوانند مردم را قانع کنند. در حقیقت تفاوت انتصاب و انتخاب اینجاست. یعنی شما نمی‌توانید انتخاب کنید و تا همین چند روز پیش تنها حسن‌شان صدقات‌شان بود، حاضر نیستند بابت اعتقادشان تاوان بدهند و رأی مردم را از دست بدهند. این عزیزان حتی مطمئن نیستند که پایگاه اجتماعی و طبقاتی‌ای که خود را متعلق به آن می‌دانند به چنین طرحی اعتقاد داشته باشند. هر چقدر سوال‌ها صریح‌تر مطرح می‌شود پاسخ این دسته عزیزان مبهم‌تر و نامفهوم‌تر است. آقای حسین انتظامی صراحتاً می‌پرسد اگر یک خانم بی‌حجاب یا یک حجاب در یک رستوران حاضر شود کسانی آن رستوران را به همین دلیل پلمب کنند؟ کسی‌وگاری عده زیادی را به مخاطره بیندازند، چه باید کرد؟ سوال بسیار روشن و صریح و بی‌پرده است اما آقای جلیلی پاسخ می‌دهد که اگر به عمق راهبردی آنچه من می‌گفتم پی می‌برید، تکلیف روشن بود. این حرف یعنی اینکه آقای جلیلی نمی‌خواهد آنچه را در دل دارد به صراحت بیان کند. پرسش صریح پاسخ صریح می‌طلبد. آقای جلیلی می‌توانست صراحتاً بگوید آن رستوران باید تعطیل شود، آن خانم باید محاکمه شود و اصلاً هم مهم نیست چه تعداد آدم از کار بیچار می‌شود. به هر حال این تفکر درست یا غلط طرفدارانی دارد. یا نه خیلی صریح بگویند، من یا چنین رفتارهای تند، غیر قانونی و ناپسند که مورد تایید بسیاری از مردم هم نیست مخالفم، اما خودش خوب می‌داند که هر کدام از این پاسخ‌ها مخاطب را اذیت نمی‌کند. پاسخ اول شاید تعداد اندکی را ارضی کند اما ممکن است حتی در بین طرفداران آقای جلیلی کسانی یافت شوند که از منظر شرعی، اخلاقی و انسانی با چنین برخوردی موافق نباشند. پاسخ دوم هم چندان مطلوب آقای جلیلی نیست، چرا که مطمئن نیست این پاسخ بتواند همراهان سنتی و آتشین او را ارضی نگه دارد و ممکن است این میزان از صراحت به ضرر او تمام شود. به همین دلیل به گونه‌ای سخن می‌گوید که به زعم او نه سیخ بسوزد، نه کباب. تا اینجا مصاحبه‌ها و مناظره‌ها به نظر بهترین بخش همین سوال‌های سرراست و روشن است. مردم پایشان روی زمین است و یاد دودوتا چهارتا سرورکار دارند. بعضی از نامزدهای محترم رسماً در جای دیگری غیر از زمین سیر می‌کنند. یا در سودای سود و منفعت اخروی هستند و کاری به کار توده‌های بی‌پناه ساکن این کره آسمان ندارند یا زیادی از غوغای جهان فارغند و در تقاطع از کره زمین می‌زیند که از باد و باران نیاید گزند. چنین پرسش‌هایی باعث می‌شود تا من و شما خوب متوجه شویم یا چه پدیده‌هایی سرورکار داریم. ای کاش به جای حرف‌های کلی و برداختن به چیزهایی که اغلب اهل فن هم چندان از آن‌ها سر در نمی‌آورند به همین مقولات جزئی و ملموس پرداخته شود. به اینکه با قیمت بنزین و نان چه خواهید کرد؟ به اینکه حد یقف شمار در دخالت در نوع پوشش مردم تا کجاست؟ به اینکه بالاخره با آمریکا چه خواهید کرد؟ چرا آموزش و پرورش دولتی تا اینقدر فاسل است و خیلی پرسش‌های صریح دیگر. پرسش‌هایی بی‌تعارف که پاسخ‌هایی بی‌تعارف‌تر را می‌طلبد تا من و شما هم تکلیف خودمان را بدانیم.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمدزید آبادی، سردبیر: محمدجواد روح، سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیبر، دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، شبنم رحمتی (معاون آنلاین)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی، مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری، تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰، تحریریه: ۸۸۸۷۳۰۰۲۹، آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن، توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



ایزوله شدن کالای فرهنگی

ارسال محصولات پستی از ایران به مقصد اروپا و آمریکا از همیشه سخت تر شده است

مردم وارد شده است. این یک مسئله ملی است؛ مگر می‌شود کشوری که چنین پست منظمی داشت، حال ملت ۸۵ میلیون نفری اش نتواند به آمریکا و اروپا بسته بفرستد؟

آسمان ایران باز است

اینطور که به نظر می‌رسد، راهکاری اساسی برای حل این مشکل وجود ندارد، زیرا در خصوص علت این موضوع شفاف‌سازی نمی‌شود و مسئولان مربوطه هم این امر را مسئله قلمداد نمی‌کنند و برای رفع آن عملی انجام نمی‌دهند. جلال‌زاده معتقد است: «برای یافتن راه حل ابتدا باید واقعیت و علت مسئله را فهمید. اگر دلیل این مسئله، جریان تحریم‌ها و نقل و انتقال پول باشد که به نظر هم می‌رسد واقعاً این باشد، نمی‌دانم اصلاً راه‌حلی برای این موضوع وجود دارد یا خیر. اما اگر مربوط به لوفتانزا باشد، به گفته‌ی اداره پست و دفاتر هواپیمایی لوفتانزا تا ۱۶ جون مسا بر می‌گردیم» و اگر برگردد، پست به روال سابق به کارش ادامه خواهد داد. البته در آخرین پیگیری، دفتر امور بین‌الملل و توسعه صادرات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات گفت که به دنبال یافتن راهی جایگزین و بستن قرارداد با سایر خطوط هوایی برای ارسال بسته به آمریکا و اروپا هستند، اما ممکن هم هست که موفق شوند با همان خط هوایی لوفتانزا مجدد کار کنند. «دارالشفاپی از اداره پست می‌خواهد که راهکاری بیاندیشد: «ما خودمان هیچ راه جایگزینی نتوانستیم پیدا کنیم، ظاهراً شرکت‌های خصوصی‌ای وجود دارند که بسته‌های پستی را ارسال می‌کنند، اما هزینه بسیار بالایی دریافت می‌کنند که در توان ما مشتریان ما نیست. واقعیتش هم این است که ما نباید جایگزین پیدا کنیم، اداره پست باید مذاکراتی با خطوط هوایی بکند و راه جایگزینی بیابد، زیرا آسمان ایران که بسته نیست»، بهشتی اما دیدگاه متفاوتی دارد و راهکار را در دستان وزارت ارشاد و ایرانیان خارج‌نشین می‌داند: «طبعاً دستگاهی مانند وزارت ارشاد که مسائل فرهنگی به آن مربوط می‌شود، باید این مسئله را در مرکز توجه خود قرار دهد، اما چنین چیزی مشاهده نمی‌شود. با این حال، راهکار اصلی در دستان ایرانیان خارج از کشور است. آن‌ها باید در این قضیه فعال باشند و راه حل این مشکل را بیابند و به منابع مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند».

مسئله‌ای که جدی گرفته نشده

پست در جهان همیشه یکی از آسان‌ترین و ارزان‌ترین راه تبادل مرسوله محسوب شده و امروزه در ایران سخت‌ترین راه شده است. آن هم کشوری که بنا بر آمار، بیش از ۱۰ درصد از مردمانش در کشورهای دیگر، عمدتاً اروپای غربی و آمریکای شمالی زندگی می‌کنند. از طرفی یکی از مهم‌ترین مرسولات دریافتی ایرانیان ساکن خارج از کشور، کتاب و محصولات فرهنگی به زبان فارسی است؛ حال اگر امکان دریافت این کالاها از ایران فراهم نباشد، آنان یا از مجاری دیگری به نیاز خود دست پیدا می‌کنند یا به‌طورکل از دسترسی به آن‌ها محروم می‌شوند و ایران از لحاظ فرهنگی بیش از پیش ایزوله می‌شود. با این حال گوئی مسئولان حوزه فرهنگ، مسدود شدن پست ایران را جدی نگرفته و مسئله خود ندانسته‌اند، آنان باید به این امر توجه کنند که فرهنگ نیز نوعی کالا است که امکان صادرات آن به دو قاره‌ی مهم دنیا قطع شده است. کتاب، روزنامه، عکس، صفحه‌ی موسیقی و... همگی کالا هستند، منتها از نوع فرهنگی و مانند سایر کالاها برای عرضه و فروش در بازار تولید می‌شوند. هر چه کشوری در حوزه‌های ارتباطی و صادراتی توسعه‌یافته‌تر باشد و منابع بازرگانی بیشتری را از میان بردارد، توفیق فروش کالاها فرهنگی اش بیشتر می‌شود و بالطبع سطح بالاتری از توسعه اقتصادی و فرهنگی را تجربه خواهد کرد و فرهنگ ملی اش نیز اشاعه بیشتری خواهد یافت. به این ترتیب، توزیع کالاها فرهنگی در سطح ملی مخصوصاً بین‌المللی از مسائل مهمی است که سیاست‌گذاران فرهنگی باید روی آن تمرکز ویژه‌ای داشته باشند و منابع صادرات را در حد امکان از سر راه بردارند و راه توزیع سریع کالاها فرهنگی را با کمترین هزینه هموار کنند، نه این که از کنار مسدود شدن باریکه راه ارتباطی رسمی و ارزان موجود بی‌تفاوت بگذرند.



نازنین بختی
خبرنگار فرهنگ

پست ایران دیگر هیچ مرسوله‌ای به آمریکا و اروپا نمی‌فرستد. مسئله‌ی عدم امکان ارسال بسته‌های پستی به آمریکا و اروپا برای مردم و صاحبان حرف مختلف، من جمله افراد شاغل در عرصه‌ی فرهنگ، مشکلاتی جدی به وجود آورده است. در این خصوص با تعدادی از فعالان حوزه‌ی فرهنگ گفت‌وگو کردیم.

عدم شفاف‌سازی رسمی

در خصوص مشکلات ارسال بسته‌های پستی، منابع رسمی و مسئول تابه‌حال توضیح رسمی و شفافیتی نداده‌اند، با این حال منابع غیررسمی دلایلی را عنوان می‌کنند که مشترکاً به مسائلی مربوط به تحریم، تنش‌های شروع سال جدید و به دنبال بسته‌شدن خط هوایی لوفتانزا اشاره می‌کند. جلال‌زاده راجع به دلایل این اختلال می‌گوید: «از دلایلی که عنوان می‌شود، قطع شدن و تمدید نشدن قرارداد پست ایران با خطوط هوایی برای نقل و انتقال بسته‌ها است». دارالشفاپی هم از عدم دریافت پاسخی شفاف از سمت اداره پست می‌گوید: «در رابطه با دلیل این موضوع، اداره‌ی پست جواب رسمی و درستی به ما نمی‌دهد و فقط می‌گوید که سیستم بسته است. ما به‌صورت غیررسمی پرس‌وجو کردیم و دلایل متعددی شنیدیم، مثل انحصار پست آمریکا و چند خط هوایی در اروپا، اختلافات گمرکی‌ای در شکل بسته‌بندی یا نوع پر کردن فرم‌های گمرکی، اختلافاتی در مورد تصفیه حساب‌ها...».

تبعات خرد و کلان

عدم امکان ارسال بسته‌های فرهنگی‌ای مانند کتاب، تبعات جبران‌ناپذیری در سطح خرد برای ناشران و مخاطبان و در سطح کلان برای فرهنگ ایران دارد؛ ناشران دچار ضررهای اقتصادی می‌شوند؛ مخاطبان از دسترسی به کتاب محروم می‌شوند و این امر خود منجر به زبانی عظیم‌تر در سطح کلان می‌شود؛ فرهنگ ایران امکان اشاعه و زیست خود را در سطح جهانی از دست می‌دهد. سیدمحمد بهشتی شیرازی، مدیر سابق فرهنگی پیامد این مسئله را صدمه خوردن به جامعه‌ی کتاب‌خوان، ناشرین و فرهنگ می‌داند: «این مسئله باعث کاهش فعالیت‌های فرهنگی، توانمندی ناشرین و کاهش دسترسی کتابخوان به کتاب می‌شود». دارالشفاپی زبان این موضوع را خسران ناشرین می‌داند و جلال‌زاده هم بر این خسارت وارد شده بر ناشران و مردم تأکید می‌کند: «تبعات این موضوع شامل خساراتی می‌شود که بر

چهره

نکو داشت هنر مند بی استاد

روز یکشنبه ۲۷ خردادماه، آیین نکوداشت استاد فاروق کیانی پور در خانه‌ی هنرمندان ایران برگزار شد. محمد فاروق کیانی پور، شناخته‌شده با نام فاروق کیانی رقصنده محلی و آیینی ایرانی است که در بیستم اسفندماه سال ۱۳۳۰ در شهر تربت جام زاده شد. کیانی ۱۴ سالگی گروه موسیقی به نام «نیام» را تشکیل داد. مهم‌ترین رقص‌های محلی که او در آن‌ها هنرنمایی کرده است عبارتند از: آفر، حتن، مشق و پلتن حنایی. از کیانی به‌عنوان گنجینه زنده بشری یاد می‌شود و نام او در فهرست میراث ناملموس فرهنگی قرار گرفته است. پیتربروک، کارگردان تئاتر و سینمای سرشناس بریتانیایی، کیانی را هنرمندی استاد خطاب کرده است. قابل ذکر است در مراسم یادشده از کتاب فاروق نوشته‌ی شهلا ناظران، مستند فاروق ساخته‌ی رضا حامدی خواه و سایت نمایشگران حرکت رونمایی شد؛ همچنین رقص‌های آیینی توسط گروه کبان جام و موسیقی مقامی اجرا شد و چهره‌های فرهنگی هنری‌ای از جمله محمود دولت‌آبادی سخنرانی کردند.



کتابخانه

مکاتبات آرت و یاسپرس

کتاب محاوره‌ی طالب و مطلوب، نوشته‌ی لوته کهلر و هانس سانر، با ترجمه‌ی فرهنگ رجایی در ۹۵۲ صفحه، با قیمت ۹۵۵ هزار تومان توسط انتشارات پارسه منتشر شده است. این کتاب مکاتبات هانا آرت و کارل یاسپرس است که به‌اهتمام لوته کهلر و هانس سانر نوشته شده است. این مکاتبات نمونه‌ی گفت‌وگویی صریح و اصیل دو اندیشمند از دو جنس، دین و فرهنگ متفاوت است که لایه‌های زندگی خصوصی، جمعی و همگانی، همچنین موضوعاتی مادی، فرهنگی و سیاسی را آشکار می‌کند. این مکاتبات، تصویر جالبی از تحولات شخصی این دو فیلسوف، همچنین تصویری تاریخی و سیاسی از جهان در نیمه‌دوم دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ به‌همراه مصبیری در باب جامعه، سیاست و فرهنگ آلمان و آمریکا ارائه می‌دهد. این کتاب جنبه‌های مهمی از پرسش‌های ابدی انسانی، زندگی جمعی و رفتار اخلاقی را تحلیل می‌کند. مکاتباتی که آرت و یاسپرس هیچ‌وقت گمان نمی‌کردند که روزی عمومی شوند، امروزه به منبعی برای شناختی تازه بدل شده است.



محاوره
طالب و مطلوب
نویسنده: لوته کهلر
و هانس سانر
مترجم:
فرهنگ رجایی
انتشارات: پارسه

تاریخ

کودتای بومدین علیه بن بلا



پس از استقلال الجزایر از فرانسه، احمد بن بلا مبارز انقلابی این کشور در سپتامبر ۱۹۶۲ به نخست‌وزیری، سپس به ریاست جمهوری الجزایر رسید. بن بلا، حکومتش را با کودتا علیه بن یوسف بن خلده که چند ماه پس از استقلال کشور حکومت کرده بود، آغاز کرد و بسیاری از همراهان خود را نیز بعد از استقرار در قدرت به اشکال مختلف حاشیه‌نشین کرد. با انحلال احزاب و دولتی کردن مطبوعات، قدرت بن بلا بلافاصله عیان شد. او در این کودتا از حمایت چریک‌های سازمان یافته در ارتش ۳۰ هزار نفری، تحت فرمان هواری بومدین برخوردار بود و به‌واسطه اعتماد ویژه‌ای که به بومدین داشت، او را به وزارت دفاع منصوب کرد. بن بلا سه‌سال بعد، اما خود قربانی کودتا شد. در ۱۹ ژوئن ۱۹۶۵ سرهنگ بومدین، با یک کودتای نظامی، رئیس‌جمهور الجزایر را ساقط کرد و خود زمام امور را در دست گرفت. احمد بن بلا، رئیس‌جمهور نیز تا زمان مرگ بومدین در سال ۱۹۷۸ در زندان بهسر برد و سرانجام در سال ۱۹۸۲ در زمان حکومت شادلی بن جدید پس از ۱۷ سال، از زندان آزاد شد.